



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.

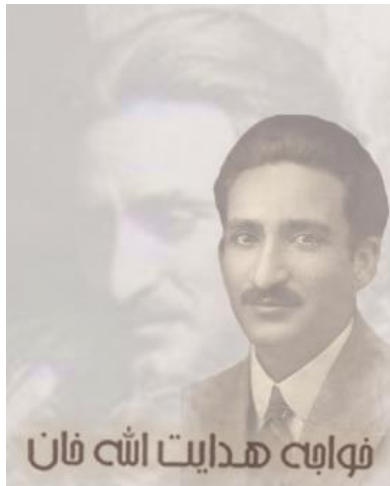


۲۰۲۲/۰۶/۲۵

احسان لمر

نهضت مشروطیت دوم خواجه هدایت الله (10)

سطوری از- « آقای ی. ذ. شمس » نشر شده در سایت اینترنتی کابل پرس مورخ 18 سپتامبر 2011،
<https://www.kabulpress.org/article80499.html>



خواجه هدایت الله خان

یکی از قربانیان دیگر مشروطه خواهان در دوره استبداد نادری بزرگ مرد افغان ، جوان شجاع و دلیر کابل زمین خواجه هدایت الله خان فرزند خواجه عنایت الله خان است. نادر شاه او را با چهار تن از دیگر فرزندان راستین و قهرمانان واقعی افغانستان به نامهای محمد ولی خان وکیل، غلام جیلانی خان چرخ، محمد مهدی خان سر منشی دوره امانی و فقیر محمد خان رئیس جنگلات بدار آویخت. روح شان شاد باد ، راد مردان دوره مشروطه که در مقابل زور و ستم مقابله نمودید و به دشمن مقتدر سر خم نه نمودید. نام های شما در تاریخ سرزمین ما جاویدانی است .

خواجه هدایت الله خان باشنده کوچه وزیر و یا گذر وزیر شهر کابل بود در ایام کودکی پدر را از دست میدهد مگر آغوش پر محبت مادر گرامی شان وفا بیگم (ملقب به بوبو جان) او را پرورش میدهد او با دو خواهر خود بنام های فغفور خانم و صابره خانم و برادرش خواجه فخرالدین خان بزرگ میشوند .

مادرش مثل همه شیر زنان افغان با وجود امکانات کم و تنگ دستی، پسران خود را شامل لیسه حبیبیه میکند. در آن زمان لیسه حبیبیه مرکز علم و دانش

بود با استادان روشنفکر ،مهربان و آزادی خواه. در چنین کانونی به درس خواندن مشغول میشود و بعد از ختم تحصیل ابتدا در وزارت خارجه مشغول بکار میشود و در اثر لیاقت و کار دانی اش به صفت سکرتر قونسل و جنرال قونسل

در ماسکو، تاشکند، انقره ،بمبی و مشهد انجام وظیفه می نماید آخرین وظیفه اش رئیس تنظیمیه هزاره جات بود

خواجه هدایت الله خان در هر جا و هر حال نگران اوضاع نا بسامان میهن عزیزش و ملت اش بود .در زمان اغتشاش، از طرف شاه امان الله خان با برادر شاه ،در جنگ هزاره جات شرکت نمودند اما چون شاه امان الله نه می خواست که به جنگ و برادر کشی ادامه دهد لهذا جنگ به زودی خاتمه می یابد .

وقتی نادر شاه به کرسی قدرت رسید ، طرفداران شاه امان الله خان را در وهله نخست موقع داد ، مگر بعد آهسته آهسته و به بهانه های مختلف آنها را یکی بعد دیگر روانه زندان ساخت و بلاخره همه را بدار آویخت. خواجه هدایت الله خان را هم یکسال در زندان ارگ محبوس ساختند و بعد در 12 سپتمبر بدار کشیدند

"... ساعت شش صبح بود که خیال محمد وردکی حواله دار دروازه اطاق را باز کرد و سلام داد. از دیدن او خیلی پریشان شده پرسیدم که چه خبر است؟ مهدی جان را به دائره قلعه خواسته اند. از شنیدن این خبر دلم به هم خورد... مهدی جان بیدار شد. خیال محمد سلام داد و گفت: پسر شما به دائره آمده ... رنگ مهدی جان سفید پرید و تکان شدید خورد..."

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خبر و لولی

مهدی جان در حالی که لنگوته خود را بسته کرده و چین خود را می پوشید گفت نی عزیزم، چنین که خودت فکر میکنی نیست البته که مثل خواجه هدایت الله خان روز آخر زنده گانی من میباشد. در این مدت پسر مرا اجازه ندادند که مرا ببیند حالا هم پسر من نیامده است. صبور جان می فهمم که این آخرین دقایق زنده گی من است با تو وداع میکنم. مرا از دعا فراموش نکن و اگر از زندان نجات یافتی، از یونس و آصف (آصف آهننگ) خبر بگیرا باش. عزیزم... من از جهان ناکام و نا مراد و در حالیکه اولاد هایم صغیر و عیالم جوان میباشد، کشته میشوم... در همین گفتگو بودیم که فقیر جان؛ در حالی که لنگوته پاچ سفید و چین فولادی پوشیده بود او از چین او نور مخصوص مشاهده میشد آمد، لبانش پر از خنده بود... گفت صبور جان خواجه (خواجه هدایت الله خان) انتظار ماست ترا هم خواسته اند. گفتم نی، مهدی جان را خواسته اند... در این وقت صدای شیون و گریان ربانی جان و مصطفی جان پسران سفیر صاحب غلام جیلانی خان در دهلیز بلند شد. جانباز خان به آواز بلند گریه میکرد و لطیف جان پسر عبدالعزیز خان نیز گریه میکرد. از شنیدن آواز گریه آنها همه به گریه شدیم. سفیر صاحب (غلام جیلانی خان) در حالیکه که لنگوته ممل سفید و چین شتری رنگ پوشیده بود در دهلیز آمد. گفت: دیگر کدام از رفیقان با ما میروند؟ مهدی جان و فقیر جان گفتند ما هم با شما میرویم. سفیر صاحب گفت: شیر احمد خان هم رفیق ما و شما است... ساعت هشت صبح محمد عمر محافظ زندان از اعدام گاه برگشته و در حالیکه مشغول نواختن طنبور بوده است، مرحوم غفوری از او جویای سرنوشت یاران خویش شده بود. عمر خان گفته بود که آن پنج نفر غرغره شدند... " 1 محمد ولی خان دروازی، غلام نبی خان چرخ، غلام جیلانی خان چرخ، محمد مهدی خان چنداولی - سرمنشی اعلیحضرت امان الله خان - خواجه هدایت الله خان رئیس تنظیمیه هزاره جات، فقیر محمد خان رئیس جنگلات اعدام میگردد. میر غلام محمد غبار، محمد ابراهیم صفا، سرور جویا، عبدالعزیز خان قندهاری، عبدالغفار خان سرحد دار، رضا خان و عده ای دیگر تحویل بندیخانه میشوند و سالهای سال را در زنجیر و زولانه بسر میبرند." 2 "در برج سنبله 1312 خورشیدی مطابق به ماه اگست 1933 عیسوی، کاکایم غلام جیلانی همراه فرقه مشر شیر محمد خان جناب ولی خان وکیل اعلیحضرت اما الله خان، فقیر محمد خان، میرزا محمد مهدی خان و خواجه هدایت الله خان به امر نادر شاه حلقه دار آویخته و به مقام شهادت رسانیدند...!" 3

پوهاند سید سعد الدین هاشمی هم مطالب جالب در باره خواجه هدایت الله در قید قلم آورده اند که:

«از شیوکی کابل بوده، در کوچه عاشقان و عارفان منزل داشت. در دوره امانی در وزارت خارجه کار می کرد و در دوره سفارت هاشم خان در مسکو سکرتر بود. در دوره حبیب الله کلکانی همراه سردار محمد امین جان به هزاره جات رفته بود. در زمان نادر شاه بکابل آمد و بحیث جنرال قونسل افغانی در دهلی مقرر شد بعد به کابل خواسته شد و رئیس تنظیمه هزاره جات تعیین گردید، ولی حرکات او تحت مراقبت حکومت قرار داشت تا آن که ارگ محبوس گردید و بعد از واقعه سفارت انگلیس در کابل همراه محمد ولی خان و غلام جیلانی خان چرخ و غیره در 1933 از محبس ارگ کشیده شد و در عقب دهمزنگ بدار آویخته شد. بروز اعدام بیت ذیل را برای فامیل خود نوشته بود:

ما برفتم و عکس ما باقیست گردش روزگار بر عکس است

مرحوم غفوری در خاطرات خود می نویسد: "...خواجه هدایت الله که هاشم خان صدراعظم او را بچه خوانده بود کوتاه قلفی می باشد» 4

باقی سمندر در تبصره خود در 18 سپتمبر 2011 در همان صفحه سایت کابل پرس نوشته بود: «همه آنها را که محمد نادر و دستگاه حاکمیت و خانوادها حاکم (پدر محمد ظاهر پادشاه پیشتر افغانستان) در زندانها شکنجه داد و به دار آویخت (همه استقلال طلبان از سال 1919 تا 1929 میلادی یا از 1298 خورشیدی تا سال 1306 خورشیدی)

نوٹ: سه مآخذ ذیل را من افزوم.

- 1 - عبدالصبور غفوری، سرنشینان کشتی مرگ یا زندانیان قلعه ارگ - طبع مرکز نشراتی آرش چاپ اول 1380
- 2 - محمد صدیق فرهنگ - افغانستان در پنج قرن اخیر -
- 3 - خالد صدیق چرخ - «از خاطراتم» -
- 4 - پوهاند هاشمی - نخستین کتاب در باره جنبش مشروطه خواهی در افغانستان - طبع 2004 ص 297

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

برای تثبیت استقلال سیاسی افغانستان رزمیدند و جانانه رزمیدند و ایادی استعمار نوین انگلیس شورش ارتجاعی ایرا برضد شاه امان الله برپا داشتند تا اینکه شاه امان الله افغانستان را ترک گفت و در نتیجه برای نه ماه حبیب الله را (امیر حبیب الله خادم دین رسول الله) خواندند و بعداً « امیر حبیب الله ... » رابا همکاران شان با مهر نمودن در حاشیه قران کریم در کابل خواندند و بدون وفا به قران کریم و سوگند به قران کریم آنها را به دار آویختند و بعداً به تصفیه فزیکى استقلال طلبانى که عملاً در کسب استقلال و تثبیت استقلال سیاسى افغانستان سهمى ادا نموده بودند - کوشیدند

.....
استقلال طلبان از انجمله شاد روان خواجه هدایت الله خان فرزند خواجه عنایت الله خان زنده گان جاوید اند و یاد شان گرامی باد»⁵